

چهار مرز برای رقتن به عراق وجود دارد؛ مرز خسروی که قدیمی است و محلی‌ها به آن منذریه می‌گویند، مرز مهران، مرز شلمچه و مرز جزابه. این چهار راه ورود به کشوری که هر گوشه‌اش، قتلگاه امامی از امامان ما بوده، امسال نیز همچون سال گذشته تجربه‌ای متفاوت از سر گذراندند. هرروز به‌طور متوسط از این مرزا، نزدیک به ۱۵هزار زائر ایرانی در قالب کاروان‌ها راهی عراق می‌شدند و هرگونه تردد غیرکاروانی از آنها غیرقانونی بود. اگرچه یک هفته مانده به اربعین شایعه عبور بدون ویزا مطرح شد و این گمان بود که همچون پارسال رفت‌وآمد میلیون‌ها مشتاق زیارت کرلا، بدون قوانین روادید باشد اما در نهایت به دلیل برخی مسائل امنیتی این شایعه به حقیقت نپیوست اما باز هم آمار زائران ایرانی سفر اربعین بسیار بیشتر از دیگر کشورهای مسلمان منطقه بود. افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی، هجوم عکس‌های سلفی و گروهی در شبکه‌های اینترنتی اما اربعین سال‌های اخیر را متفاوت از سال‌های قبل کرده است؛ گویی این زیارت تاریخی و کلاسیک با حفظ شئونات خود، در حال مدرن شدن و به‌روزدن است

درباره آن جمعیت میلیونی

جمعیتی که به‌سوی عراق روانه شد غیرقابل شمارش و غیرقابل پیش‌بینی بود چراکه توره‌ای هوایی از یک ماه مانده به اربعین، با خیل مردمی مواجه بودند که برای انجام امور قانونی این سفر مدارک خود

را ارسال کرده بودند. مرزاها هم وضع مشابهی داشت؛ از جزابه، اصفهانی‌ها، آبادانی‌ها و بندری‌ها روانه عراق شدند. از خسروی، تبریزی‌ها و شمالی‌ها و از شلمچه، باقی ایرانی‌های مشتاق. شدت استقبال به حدی بود که کرایه‌های تردد یک شبه ۱۰برابر شدند؛ خطی‌های مسیر چندین‌برابر و هزینه لیوانی آب و ظرفی غذا به ۱۵هزار تومان رسید. کاروان‌هایی که بدون ثبت در فهرست سازمان حج و زیارت، اتوبوس‌های پر از مسافر را به مرز رسانده بودند، بعد از انجام امور قانونی و ردشدن از مرزا، مسافران خود را رها کرده و به امید درآمد بیشتر به مبداها برگشتند تا زائران تازه‌ای را راهی این سفر کنند. آنهایی که هم در خاک عراق رها شده بودند عموماً از شهرهای یعقوبه، شامیه، زرباطیه، خاتکین و… به سمت نجف به حرکت افتادند تا ۴۸ساعت بعد، پایای تاول‌زدده‌شان را در پاشویه‌های مسجد بلال، مسجد امام‌علی(ع) و حتی آستان مقدس شاه نجف اشرف بشویند. شرایط سختی بود و سرما و بارندگی، این شرایط را بدتر از همیشه می‌کرد.

جدال با پتو در نجف

زائران خسته از راه می‌رسند؛ نجف شهری برای پناه‌دادن به آنهاست. بسیاری از کاروان‌ها این شهر را به‌عنوان محل اقامت موقت در نظر گرفته‌اند تا خستگی راه و بی‌برنامگی‌ها را کمی سامان دهند. موکب‌های بزرگ در سراسر شهر به راه افتاده تا خیل جمعیت در زیر باران تند بین‌النهرین اسیر نشوند. مشکلات اما فراوان است؛ کسی فکشر را هم نمی‌کرده که میزان زوار ایرانی ناگهان صدهابرابر شود. جدال برای یافتن سرپناه و وسایل گرمایشی آغاز می‌شود. مساجد و تکایای بزرگ اصلی‌ترین مراکز توزیع پتوهای امانی هستند. صحن‌های بزرگ مساجد، مدرسه‌های دولتی، تکایا و موکب‌ها آماده پذیرایی هستند به این شرط که پتو فراهم باشد. امام‌جمعه یکی از مساجد می‌گوید که هرروز به طور متوسط در نجف صد پتو، شست‌وشو شده و قابل استفاده خواهد بود بنابراین در سال ۳۶هزار پتو بیشتر آماده ارائه به زائران نخواهد بود و این رقم در برابر سه میلیون پتویی که در این شهر برای زائران دیده شد، رقم بسیار اندکی است و لااقل صدسال طول می‌کشد تا همه آنها شسته شوند!

نجف شهر کوچکی است؛ آن‌قدر کوچک که شاید توان اسکان صدها هزار ایرانی را نداشته باشد. برای همین با رسیدن هرگونه شایعه‌ای مبنی‌بر احتمال ورود بدون ویزای زائران ایرانی به عراق، نجف در حالت فوق‌العاده قرار گرفته و بسیاری از اماکن عمومی و خصوصی، به رایگان در اختیار مسافران قرار گرفته است. یکی از مقامات ارشد مذهبی نجف می‌گوید که اصلی‌ترین چالشی که در اربعین امسال، زائران ایرانی با آن مواجه بوده‌اند، وعده‌ووعیدهای بی‌مورد کاروان‌ها بوده است: «ما در نجف مسجد‌های بزرگی داریم که برای اقامت موقت زائران اربعین در نظر گرفته می‌شوند اما مسئولان کاروان‌ها با علم به این موضوع از فرصت استفاده

نجف شهر کوچکی است؛ آن‌قدر کوچک که شاید توان اسکان صدها هزار ایرانی را نداشته باشد. برای همین با رسیدن هرگونه شایعه‌ای مبنی‌بر احتمال ورود بدون ویزای زائران ایرانی به عراق، نجف در حالت فوق‌العاده قرار گرفته و بسیاری از اماکن عمومی و خصوصی، به رایگان در اختیار مسافران قرار گرفته است. یکی از مقامات ارشد مذهبی نجف می‌گوید که اصلی‌ترین چالشی که در اربعین امسال، زائران ایرانی با آن مواجه بوده‌اند، وعده‌ووعیدهای بی‌مورد کاروان‌ها بوده است: «ما در نجف مسجد‌های بزرگی داریم که برای اقامت موقت زائران اربعین در نظر گرفته می‌شوند اما مسئولان کاروان‌ها با علم به این موضوع از فرصت استفاده

گفت‌وگو واقعی، امکان رسیدن به هوش جمعی را میسر می‌سازد. گفت‌وگو اگر واقعی باشد سازنده وجود است و اگر تظاهر باشد نابودکننده آن. گفت‌وگو واقعی، شیوه‌ای است برای جویایی مشترک و دست‌یافتن به ریشه‌های سوت‌فاهمات و پیش‌داوری‌هایی که مانع فهم درست بین انسان‌ها می‌شود. گفت‌وگو در پی اجماع نیست بلکه در روند آن، دیدگاه‌های مختلف افراد گفت‌وگوکننده برای یکدیگر قابل‌فهم می‌شود و موانع همفکری بر طرف می‌گردد. به عبارت دیگر، یافتن راه‌حل از طریق استدلال به معنی پذیرفتن عقل به‌عنوان داور و باور به توانایی عقل برای حل‌وفصل اختلافات انسان می‌باشد که امکان دستیابی به صلح را میسر می‌کند.

اهمیت گفت‌وگوهای دینی

به‌منظور ایجاد تمرکز در مدیریت و برخورداری از سیاست‌گذاری واحد و هماهنگی در فعالیت‌های فرهنگی – تبلیغی خارج از کشور و نیز استفاده بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود، بنا به پیشنهاد جمعی از مسئولان فرهنگی کشور و تصویب شورای عالی تبلیغات خارجی و تأیید مقام معظم رهبری، آن بخشی از نهاده‌ا، موسسات دولتی و عمومی که در خارج از کشور فعالیت فرهنگی – تبلیغی دارند در یکدیگر ادغام و سازمان واحدی به نام «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» در سال ۱۳۷۴ تأسیس شد. که کارهای متعددی در این زمینه انجام داده است.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد؛ اصل و اساس از نظر دین مبین اسلام، صلح بوده و موضوع «صلح» و زندگی مسالمت‌آمیز از مسائل عمیق و ریشه‌دار اسلام است و تمام نظام‌ها و قوانین و دستورات و مقررات



چند نکته کمتر شنیده‌شده درباره اربعین ۱۴۳۷

زیارتی مدرن در شهری سنتی

سعید برآبادی

کرده و اقامت رایگان را به متقاضیان تبلیغ می‌کنند درحالی‌که ما فقط امکان یک روز پذیرایی از زائران را در این مکان‌ها داریم نه بیشتر.

هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده

هر ۱۰ هزار تومان تا پیش از اربعین در چهارراه استانبول، به چهارهزار دینار عراقی تبدیل می‌شد؛ اما یک شبه، با این پول فقط سه‌هزار دینار عراقی به زائران می‌دادند. افزایش قیمت دینار نه ربطی به گران‌شدن دوباره دلار داشت و نه ربطی به تصمیم شیخ‌نشینان خلیج‌فارس برای افزایش تولید نفت. دینار گران شده بود چون متقاضی سفر به رقم‌های بالا رسیده بود و کمبود دینار در بازار باید به شیوه‌ای جبران می‌شد و شیوه‌ای که صراف‌ها انتخاب کردند، گران‌کردن رقم بود!

زائران ایرانی اما برای رسیدن به کرلا فقط مشکل گرانی دینار نداشتند. اپراتورهای همراه اول و ایرانسل به آنها قول داده بودند که به محض رسیدن به عراق می‌توانند با رومینگ‌کردن تلفن‌هایشان، با خانواده‌های خود ارتباط برقرار کنند. وعده‌ها اما در بلاد غریب، پوچ از آب درآمد. نه ایرانسل و نه همراه‌اول، لااقل در روزهای اول نتوانستند تماسی را برقرار کنند و روزهای بعد هم اگرچه خبر از رومینگ‌های موفق بود اما دیگر دیر شده بود؛ زائران با صرف ۴۰ تا ۵۰ هزارتومان، سیم‌کارت‌های عربی خریده بودند و به خانواده‌های خود خبر داده بودند که به سلامت رسیده‌اند.

سومین هزینه سرسام‌آور زائران ایرانی، کرایه حمل‌ونقل است. کاروان‌های بدقول، زائران را صبح‌ها به حرمین می‌برند و شب‌ها به موکب‌های درنظرگرفته‌شده بازمی‌گردانند؛ جدای از این مسیر تعیین‌شده، هر سفری با هزینه شخصی خواهد بود. مثلاً در نجف، کاروان شما را به کوفه نمی‌برد، در کرلا نمی‌توان به کاظمین یا بغداد رفت مگر با هزینه شخصی. هزینه سفر از نجف به کوفه ۷۰ هزار تومان برای هر نفر است و هزینه کرلا تا بغداد، ۵۰ هزار تومان. مشکل اما اینجاست که هیچ ماشینی حاضر نمی‌شود در طول زمان اربعین، این کار را انجام دهد و راننده‌ها ترجیح می‌دهند فقط در مسیر شلوغ جمع‌های کرلا مسافرنکشی کنند.

قرض‌کردن وپذیرایی اززوار

اقتصاد زواری، کرلا و نجف را به دو شهر آسیب‌پذیر اما ثروتمند بدل کرده است. در ویکی‌پدیا، کرلا را حتی ثروتمندتر از کرکوک، که اصلی‌ترین شهر نفت‌خیز عراق است، می‌شناسند اما از ورودی کرلا هم به‌روشنی مشخص است که شهری با جمعیتی کمتر از یک میلیون نفر نمی‌تواند پذیرای جمعیتی چندین برابر جمعیت خود باشد. به همین خاطر بسیاری از تأسیسات شهر نیمه‌کاره رها شده‌اند؛ اتوبان‌ها بدون خروجی و بدون اتصال به شریان‌های حرکتی شهر، معطل مانده‌اند. پروژه‌های ساختمان‌سازی بزرگ، پروژه‌های هتل‌سازی و ساختمان‌های دولتی معمولاً نیمه‌کاره‌اند. استاندار کرلا می‌گوید این شهر تنها شهر در جهان است که هیچ‌وقت، نمی‌تواند خودش

زمانی برای گفت‌وگو

نوید رسولی

اسلامی براساس آن پایه‌ریزی شده است.

اهمیت گفت‌وگوی ادیان با اندیشمندان دینی نیز حاکم از آن است که هیچ‌یک از متون دینی، خشونت و افراط‌گرایی را تأیید نمی‌کند. رهبران معتبر دینی و بین‌ادیان الهی هرگونه خشونت و افراط‌گرایی را در دین رد می‌کنند، اما متأسفانه در عصر مختلف مشاهده می‌شود که به نام دین، خشونت ترویج و از صلح فاصله گرفته می‌شود. برهمن‌اساس، رهبران دینی و مومنین به ادیان الهی، در مقابل کسانی که نسبت به ارزش‌ها و ادیان الهی بی‌توجه هستند، جبهه‌ای به‌منظور شناسایی نقش و مسئولیت خود تشکیل داده‌اند.

یکی از وظایف رایزنی‌های فرهنگی، برگزاری نشست‌ها و یا همایش‌هایی در ارتباط با صلح، عدالت اجتماعی و مبارزه با خشونت و افراط‌گرایی نظیر نشست ادیان ابراهیمی به مناسبت روز جهانی صلح است. در این همایش‌ها و نشست‌ها تلاش می‌شود تا مسئولیت‌پذیری رهبران ادیان نسبت به تأثیرگذاری بر سیاست‌مداران به‌عنوان رهاکار عملی مقابله با افراطی‌گری افزایش یابد که موفقیت‌هایی نیز حاصل شد نظیر کاری که پاپ فرانچسکو انجام داد و از اوایما خواست به سوریه حمله نکند. همچنین در نشتی که با حضور دبیرکل سازمان ملل متحد در قزاقستان برگزار شد، پیشنهاد ایجاد جایگاهی برای نقش‌آفرینی ادیان در آینده و صلح و مدیریت جهانی و مبارزه با خشونت در سازمان ملل مطرح شد و مورد موافقت «بان یک مون» قرار گرفت (http://fa.cid.icro.ir) از آنجا که مسئولیت رهبران و نهادهای دینی و در حقیقت تمام مومنان این است که بی‌عدالتی و ظلم را در تمام اشکال آن محکوم نمایند و عدالت را در کل جهان اشاعه دهند. گفت‌وگوهای دینی، به انسان‌ها انگیزه می‌دهد و آنها را در پیاده‌کردن عدالت و صلح توانمند می‌سازد و این مهم نیز جز با فهم یکدیگر و از طریق گفت‌وگو دست‌یافتنی نیست. به عبارت دیگر، هدف از گفت‌وگوهای بین‌دینی این است که طرفین به‌مثابه یک نهاد بنیادین، تهدیدات نسبت به صلح جهانی را بیان نمایند و در ترویج و برقراری آن گام بردارند.

صلح‌یابدار

همزیستی، تقاهم، گفت‌وگو، اتحاد و تقارب فرهنگ‌ها، هرکدام بُعدی از گویهر هزارگوشه تعامل فرهنگ‌ها را نمایش می‌دهند. هم‌افزایی فرهنگی

زاویه

را بازیابی کند و توضیح می‌دهد که همه شهرها با خروج مسافران، وقت بازسازی و احیای زیرساخت‌های خودشان را دارند جز کرلا، چراکه به محض تمام‌شدن مراسم عاشورا و تاسوعا، اربعین آغاز می‌شود و با تمام‌شدن این مراسم، مراسم دیگری در راه است و به همین خاطر در کرلا همیشه زائر وجود دارد. رهاکار اتخاذشده برای حل این موضوع، تأکید بر کمک‌های دولتی است اما دولت عراق که با داعش رودرو شده، درآمدی آن‌چنانی ندارد که بخواهد آن را صرف حل مشکلات یکی از شهراهایش کند و تازه حتی اگر این اتفاق بیفتد، باز هم نیازهای ضروری زوار همیشگی، بی‌پاسخ خواهد ماند.

با وجود همه این‌چالش‌ها، کرلا شهری است که به میهمان‌نوازی مردمش شهره است. از همه دنیا، مردم در اربعین روانه این شهر می‌شوند و پا به شهری می‌گذارند که هیچ دری به رویشان بسته نیست. کرلایی‌ها اگرچه مردمی نیکدست و فقیر هستند اما این موضوع باعث نشده در میهمان‌نوازی‌شان خللی ایجاد شود. آنها از بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه، وام‌هایی با رقم‌های ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان دریافت می‌کنند تا به حد وسعشان پذیرای زائران امام حسین باشند. رسم عجیبی است اما واقعیت دارد و آنهایی که زائران این شهر هستند آن را حس کرده‌اند.

باراطلاع‌رسانی به‌دوش تلگرام

اگرچه تلگرام در ایران با اما و اگرهای فراوان همراه است اما این نرم‌افزار ارتباطی عجیب‌وغریب امسال همراه اصلی و واقعی زائران ایرانی در عراق بود. تصویرهای ارسال از اربعین به همین خاطر کاملاً متفاوت از سال‌های قبل است؛ تلگرام‌ها، اینستاگرام‌ها و فیس‌بوک‌ها پر شده از سلفی‌هایی که زائران با حرمین گرفته‌اند. رواج استفاده از موبایل در اربعین ۱۴۳۷ به حدی بود که کیت‌های ورودی حرم، گاه راهی برای مقابله با آن نداشت و به‌تأجار اجازه ورود موبایل‌ها را صادر می‌کرد. در عوض، اینترنت کرلا برای چنین حجم مسافری طراحی نشده و به همین خاطر مسافران به‌شدت دنبال جایی برای آپلودکردن عکس‌هایشان می‌گشتند. عکس‌های اسمال‌نشان‌دهنده تشنگی مفرط مردم به زبارتی ازادانه بود و شاید نشان کوچکی بود بر این مدعا که اگر به مردم اعتماد شود و از ورود وسایل ارتباط جمعی به اماکن زیارتی جلوگیری نشود، آنها خود بهترین هنرمندان هنر دینی خواهند بود. اما با نبود شبکه‌های تلفنی درست و درمان، تلگرام پیغام‌رسان خوبی برای خانواده‌هایی بود که در ایران چشم‌به‌راهی داشتند. آنها به محض رسیدن به عراق، یک سیم‌کارت عراقی ارزان‌قیمت می‌خریدند تا به کمک تلگرام به خانواده‌های خود از صحت و سلامت سفرشان بگویند. تلگرام در لحظه‌های زیارت هم آنها را تنها نگذاشت و کاری کرد که بسیاری بتوانند غیرمستقیم در این لحظه‌های خاص و معنوی حس همراهی داشته باشند.

کرلا و آینده‌اش

کرلا مترقی است؛ نونوارتر از نجف، با مغازه‌ها و سترهای بزرگ، مصرف‌زدگی مردمش را می‌شود از دمه‌ای به‌روز پشت وپرتین‌ها فهمید. ورود میلیونی زائران، شرایط کرلا را از این‌که هست، پیچیده‌تر هم می‌کند؛ هیچ کوچه‌ای در شهر بی‌مسافر نمی‌ماند، هیچ هتل و مسافرخانه و فندقوی جایی برای میهمانان ندارد. بخش عمده‌ای از جمعیت، سرپناهی برای خود در حاشیه خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌سازد. شب‌ها باران می‌آید و اگر باران هم نباشد هوا سوز غریبی دارد. مردم سعی می‌کنند بیدار بمانند؛ در نذری‌ها شرکت کنند، به حرم بروند و در بین‌الحرمین قدم بزنند.

پایان سفری که نقطه آغاز و انجامش، کرلاست. جاده‌های خروجی به سمت نجف و کاظمین و بغداد دوباره شلوغ می‌شوند، دوباره کامیون‌ها و تریلی‌ها پر از مسافران خسته و خاک‌لودی می‌شوند که در حال پیماز جمعیت به سوی شهرهای دیگر هستند. در احادیث آمده تنها حرمی که زیارت آن با رویی نشسته و خاک‌آلود، ثواب دارد، حرم امام سوم شیعیان است و این را فقط در کرلا می‌شود گفت. شش‌صد تنگسنگی سه روز سفر پیاده، در دیدار با آن ضریح فروکش می‌کند. پایان سفر میلیونی مسافران ایرانی، کرلا را بار دیگر تنها می‌کند با آینده‌ای که هتل‌های نوساز، طرح توسعه حرم، مسئله آب فرات و… آن را شکل خواهند داد. زائران ایرانی در برکشت مدام می‌پرسند که آیا سال بعد هم می‌توانند راهی حرم امامشان شوند؟

زمانی برای گفت‌وگو

نیز می‌توانند وجهی دیگر از تعامل سازنده میان فرهنگ‌ها را ارائه دهد. هم‌افزایی فرهنگ‌ها در فضای تنوع فرهنگی و همکاری و تعامل سازنده میان فرهنگ‌ها به همکاری ملتان برای دستیابی به صلح پایدار در جهان منجر می‌شود.

امروز، جریان‌های فکری و عملی افراطی از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر رفته و پدیده‌ای جهان‌شمول گشته است به‌طوری‌که خودمحوری و خودخواهی و زورگویی و خشونت در ابعاد و سطوح مختلف در گوشه‌وکنار جهان، آشکارا دیده می‌شود.

یکی از وظایف مرکز گفت‌وگوی ادیان طی ۲۰ سال گذشته، مسئولیت مهم گفت‌وگو با سایر ادیان به‌منظور ترغیب و تشویق احترام به حقوق‌بشر و برقراری صلح و عدالت اجتماعی در سراسر جهان و معرفی چهره صحیح از اسلام ناب در موضوع اعتدال و مبارزه با خشونت‌گری و جریان‌های تکفیری را عهده‌دار بوده است. این مهم با توجه به چالش‌های معاصر از جمله خشونت و افراطی‌گری و نیز ایده «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» دکتر روحانی، ریاست‌جمهوری اسلامی ایران که در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ مطرح نمود، مضافت‌گشته است به‌گونه‌ای که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در حوزه مناسبات فرهنگی و در تقابل با گروه‌های افراطی تکفیری، نشست‌ها و همایش‌های متعددی را برگزار کرده و یا در برنامه‌های آتی خود دارد.

منابع:

- قربانی، زین‌العابدین؛ اسلام و حقوق بشر، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۵.
- www.icro.ir
- www.farhang.gov.ir/fa/intro/.../cultureorganization
- www.df.farhangolm.ir
- www.dialogueproject.ir
- http://fa.cid.icro.ir
- http://www.ghavanin.ir

تجربه دیگران

آمریکایی‌ها وسقوط

اختر محمدمکویی

حمله ناگهانی و گسترده شبه‌نظامیان طالبان و سقوط شهر قندوز مرکز این استان، در کمتر از یک روز و کنترل سه‌روزه طالبان بر این شهر، روزها موضوع داغ سیاسی افغانستان بود و این موضوع باعث رونق گرفتن استفاده از عبارتی مانند «ستون پنجم»، «فروش ولایت» و… شده بود. سؤال اساسی درمورد عملکرد دولت و نیروهای امنیتی بود که چرا شهری با ویژگی‌های قندوز باید به این آسانی به دست گروهی که در شوک از دست‌دادن روانه این شهر می‌شوند و پا به شهری می‌گذارند که هیچ دری به رویشان بسته نیست. کرلایی‌ها اگرچه مردمی نیکدست و فقیر هستند اما این موضوع باعث نشده

استاندار قندوز نیز بر ایجاد ابهاماتی درمورد سقوط این شهر افزوده بود. وی در فاصله چند ساعت پس از افتادن مرکز استان به دست طالبان گفت که دست‌مافیا در این جریان است. شفاف‌کردن تمام این ابهامات به دست کمیسیون «حقیقت‌یاب» سپرده شد. اشرف غنی رئیس‌جمهوری افغانستان هباتی پنج‌نفره را به ریاست «امرالله صالح»؛ رئیس سابق امنیت ملی افغانستان، مسئول بررسی چگونگی سقوط این شهر کرد.

اول هفته این کمیسیون گزارش خود را پس از ۲۰ روز تحقیق در حضور رسانه‌ها ارائه کرد. این کمیسیون نحوه کار خود را به سه مرحله تقسیم کرده است؛ اول: کار در پایتخت و بررسی دیدگاه استراتژیک. دوم: سفر به قندوز و استان‌های هم‌جوار و انجام‌دادن مصاحبه. سوم: بازگشت هیات همراه با اسناد. صالح گفت که برای تهیه این گزارش ۲۰۰صفحه‌ای از دو هزار صفحه سند موجود در این شهر استفاده شده است. امرالله صالح از اداره‌ای که خود او قبلاً مدیر آن بود نیز انتقاد کرد و گفت: «ساختار کنونی شورای امنیت ملی، از عوامل بی‌ثباتی در کشور است». در گزارش این هیات نیز در این مورد آمده است: «هریک از نهادهای دفاعی که هیات با آنها مصاحبه کرده است، به این اکتفا می‌کنند که گویا موضوع را به سمع شورای امنیت ملی رسانده‌اند. اقصاع و اکثفا به اینکه «من گفتم، دیگران باید اقدام می‌کردند» به روحیه اتهام زدن بین نیروهای امنیتی دامن زده است».

صالح اشتباه بزرگ دولت درمورد سقوط قندوز را نادیده‌گرفتن سقوط مناطق اطراف این شهر دانست. وی گفت طالبان برای انجام این عملیات یک سال برنامه‌ریزی کرده بود. در پاسخ به همه ابهامات و سؤالاتی که سقوط این شهر را یک دسیسه می‌دانست نیز در این گزارش آمده است: «به استاد اسناد و اطلاعات به‌دست‌آمده، هیات فرضیه دسیسه را نفی کرده و سقوط قندوز را ناشی از ضعف در رهبری، خلا و پیچیدگی در ساختارها و استفاده نادرست از منابع و امکانات می‌داند».

بخش قابل‌توجه سخنان امرالله صالح این است که اگر دولت از نیروهای آمریکایی درخواست کمک هوایی نمی‌کرد، فرداگاه قندوز که در این زمان تمام نیروهای امنیتی و کارمندان دولت در آن حضور داشتند، نیز به دست طالبان می‌افتاد. وی از حمله هوایی نیروهای آمریکایی به‌عنوان «بمب سرنوشت‌ساز» یاد کرد که باعث تغییر وضعیت شد. این‌گفته وی نشان‌دهنده این است که با گذشت ۱۴ سال نیروهای امنیتی افغانستان همچنان نیازمند کمک نیروهای بین‌المللی هستند.

در فاصله چند ساعت قبل از ارائه گزارش این هیات، خبر آمده بود که ولسوالی (شهرستان) «یمکان» استان بدخشان در شمال غرب افغانستان به دست طالبان افتاده است. نکته قابل‌توجه که به سقوط یمکان ربط پیدا می‌کند و حائز اهمیت است، وجود معدن لاجورد در این منطقه است که نشان می‌دهد تا زمان بازپس‌گیری احتمالی این منطقه، طالبان منبع اقتصادی خوبی را در اختیار دارند.

میراث فردا

درنگ برای گیتی دیهیم بانوی زبان‌شناس

احمد پرهیزی

دکتر گیتی دیهیم، نخستین بانوی زبان‌شناس ایرانی، فرهنگ‌نویس و استاد برجسته زبان و ادبیات فرانسه، چنان‌که رسم بزرگان ماست، در سکوت خبری درگذشت. زمانی که ایشان تحصیل و پژوهش در زبان را آغاز کرد، هنوز در ایران این رشته حتی نام رایجی نداشت. دیهیم، در کلاس‌های درس دکتر کیکاو پرویز ناتل‌خانلری و احسان یارشاطر با مقدمات زبان‌شناسی آشنا و با این مباحث آشنا شده بود. او در سال ۱۳۱۲ در تهران متولد شد. پدرش اصرار داشت تا او پزشکی بخواند اما گیتی دیهیم به گفته خودش رشته ادبیات را برگزید تا بتواند شعر حافظ را بفهمد. بنابراین در همان سال وارد دانشکده ادبیات و در سال ۱۳۳۴ فارغ‌التحصیل شد. بلافاصله پس از آن در دبستان مهرداد و سپس در دبستان سعدی، دبستان محل تحصیل خودش، تدریس را آغاز کرد. مدتی بیمار شد و چون ناتوان از درس‌دادن بود، کارمند بخش سمعی– بصری اداره هنرهای زیبا شد. زبان خارجی او که فرانسوی بود، باعث شد تا بخش فرهنگی سفارت ایران دچار اشتباه شوند و او را راهی فرانسه کنند. غافل از آنکه چنین رشته‌ای در فرانسه وجود نداشت؛ به سفارش همین مسئولان، گیتی دیهیم مدت یک‌سال در فرانسه دنبال مدرسه‌ای ناموجود می‌گشت. در نهایت رضایت دادند و قرار شد وی در رشته دیگری با خرج خود درس بخواند! به دلیل علاقه و آشنایی مختصری که او با رشته زبان‌شناسی داشت، تحصیل در رشته آوانحاشی را آغاز کرد و پس از کسب سه دیپلم، به طور مستقیم وارد دوره دکترا شد. در آن زمان، آندره مارتینیه در این رشته مهارتی بین‌المللی داشت، بنابراین نزد او رفت و چون استاد فرانسوی از زبان فارسی چیزی نمی‌دانست، دیهیم کار روی واج‌شناسی و تلفظ زبان فرانسوی را آغاز کرد. با اخذ مدرک دکترا و به توصیه مارتینیه، دکتر دیهیم برای تقویت زبان انگلیسی خود راهی ونکوور کانادا شد و مدتی در دانشگاهی تازه‌تأسیس با سمت استادیاری زبان‌شناسی فرانسوی مشغول به کار شد. دکتر دیهیم در سال ۱۳۴۷ خورشیدی به ایران بازگشت و بلافاصله در دانشگاه ملی ایران استادیار زبان فرانسوی شد. هنوز هم رشته زبان‌شناسی در ایران رواجی نداشت و تنها در دانشگاه تهران این رشته در دوره فوق‌لیسانس تدریس می‌شد. با تلاش‌های دیهیم، این رشته در دانشگاه ملی رفته‌رفته جا افتاد و این استاد برجسته مدت ۳۲ سال درس‌های مرتبط را ارائه داد. او مدتی نیز در همین دانشگاه سمت مدیریت بخش زبان و ادبیات فرانسه را برعهده داشت. در زمینه آموزش زبان فرانسوی، او در زمره سرآمدان است و تالیفاتی نیز در این زمینه دارد، همچنین آثاری در ترویج رشته آواشناسی نگاشته است. اما مهم‌ترین اثر دیهیم «فرهنگ آوانی فارسی» است که کتابی است مناسب برای عموم مردم. گویندگان و سخنوران لازم است این اثر را تهیه کنند، به‌خصوص که تلفظ‌های نادرست گویندگان رادیو و تلویزیون از جمله انگیزه‌های مؤلف برای تدوین این اثر بوده است. در این فرهنگ، دیهیم با الهام از فرهنگ «تلفظ واقعی» اثر آندره مارتینیه یکی از مشکلات قدیمی زبان فارسی پرداخته است. او بیش از ۳۱ هزار واژه فارسی را ضبط کرده است. دیهیم با دوری‌جستن از شیوه‌های سنتی، راهی نو برای حل مشکل تعدد تلفظ‌ها پیشنهاد داده است. مطابق دیدگاه سنتی، یک واژه تنها یک تلفظ دارد اما طبق دیدگاه دیهیم، واژه برحسب اشخاص مختلف می‌تواند تلفظ‌های گوناگون داشته باشد. ((البته منظور هر شخصی نیست، منظور نخبگان فرهنگی است. گیتی دیهیم، ۱۷ استاد دانشگاه را برای نگارش این فرهنگ، معیار خود قرار داده است)). او در این اثر با نظرخواهی، تلفظ‌ها را چنان‌که در دهان مردم امروز است گرد آورده است، نه چنان‌که در آثار قدما آمده است. دکتر گیتی دیهیم، علاوه بر دانش گسترده، از نظر اخلاقی نیز برای شاگردانش هویتی بود. فصیح و دقیق و شمرده سخن می‌گفت و بسیار پیگیر امور علمی دانشجویان بود. در سال‌های پایانی تدریسمشان، من خوشبختانه افتخار کردی ایشان را داشتم و اگر چیزهای بی‌اهمیتی می‌نوشتم، ایشان با علاقه می‌خواند و تشویق می‌کرد. گاه نیز به شوخی، آنها را «از همین چیزهایی که جلد دانشگاه تهران فراوان می‌بینم و هیچ سر در نمی‌آورم» می‌نامید و البته فروتنی می‌کرد. بلافاصله تأکید می‌کرد که «باز هم بنویسید و برابم بیاورید». این استاد برجسته ۲۶ آبان‌ماه درگذشت. یادشان گرامی باد.

واکنش

شهردار تهران، صادق باشید…!

سجاد عسگری

اخیرا جناب آقای محمداقبر قالیباف، شهردار محترم تهران، پیامی را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده و در این پیام از آسیب‌های اجتماعی و تخریب میراث فرهنگی در بافت تاریخی تهران سخن گفته و از شهروندان تهرانی، سازمان‌های مردم‌نهاد و کارشناسان این حقل این مشکلات درخواست کمک کرده است. اما این پیام نکاتی دارد که باید به آن اشاره کرد: جناب آقای قالیباف شما عکسی را منتشر کرده‌اید که در آن نشان می‌دهد شما به محوطه زمین‌های تخریبی خلیل مفرد، واقع در یک روزاز نزدیک که محصلی که حضراتی ایجاد کردید، پرداخته‌اید. اما وضعیت فعلی این زمین‌ها چندان‌چیزی است این‌گونه نیست و نه معنادری وجود دارد و نه زباله‌ای. عکس منتشرشده در این‌صفحه و زاویه دو عکس در این پیام، گواه بر این است که هردو عکس در یک مکان گرفته شده اما در دو زمان متفاوت! چرا بعد از چندین‌ماه این عکس و پیام غم‌آلود و با فضای اندوه‌گونه را منتشر کرده‌اید؟ آیا شما به‌دنبال ایجاد تبلیغات برای کار خود هستید؟ آیا شما به‌دنبال این هستید تا اعضای شورای شهر تهران را برای تأیید طرحی که از آن با عنوان «ارتقا زندگی در بافت تاریخی تهران» یاد می‌کنید، ترغیب کنید؟

۱. شهردار تهران، روزی که در کسوت فرمانده محترم ناجا در سال ۸۴ و به‌دنبال ایجاد سرمایه برای بنیاد تعاون ناجا بودید و شش‌هتکار از بافت ارزشمند عودالاجار را خراب کردید، آیا آن زمان فکر نکردید تخریب این بناها به بهانه خانه مجردی و منقل‌خانه، باعث ایجاد مآزمی برای آسیب‌های اجتماعی در قلب بافت تاریخی تهران می‌شود؟ و کمک به تشکیر اعتبار در افراد جامعه می‌کنید؟

۲. آقای قالیباف آیا آن زمانی که املاک مردم را با رقم‌هایی همچون حداقل متری ۲۰هزارتومان یا حداکثر ۲۰۰هزارتومان خیرباری کردید، به فکر آواره‌شدن مردم مهربان این بافت تاریخی نبودید؟

۳. شهردار تهران، آن زمان از مردم مهربان شهر تهران، کارشناسان آسیب‌های مردم‌نهاد (NGO) سؤال کردید که آیا موافق تخریب شش‌هتکار از قلب تهران هستند؟

شهردار محترم تهران با مردم و کارشناسان و سازمان‌های مردم‌نهاد صادق باشید و شفاف طرح‌های خود را اعلام کنید. قطعا اگر هر مسئولی در این شهر با مردم صادق باشد،کمک مردمی نیز برایش می‌رسد…

✽ **عکس نمونه مردمی نهاد پیگیری حفاظت از خانه‌های تاریخی تهران**